



پژوهشکده مطالعات فناوری

TECHNOLOGY STUDIES
I N S T I T U T E

www.tsi.ir



پژوهشکده
مطالعات فناوری

بررسی الگوهای مشارکت ایران در بازسازی کشورهای آسیب دیده از جنگ عراق، سوریه و یمن



کارفرما: پژوهشکده مطالعات فناوری

مدیر پروژه: مصطفی محسنی کیاسری

همکاران: عفت نوروزی، جواد مشایخ

تعداد صفحات: ۳۲۵

فصول: ۴



جمهوری اسلامی ایران همچون گذشته در کنار ملت سوریه خواهد بود، زیرا این کار را کمک به جریان و حرکت مقاومت می داند و با اعتقادی از صمیم قلب، به حمایت از مقاومت افتخار می کند.

مقام معظم رهبری

در دیدار با بشار اسد - اسفند ۹۷

از روستاها و شهرهای دیگر را به اشغال و تصرف خود درآورد. اما در سال ۲۰۱۷ دولت عراق توانست با حمایت بسیار مؤثر جمهوری اسلامی ایران، داعش را شکست داده و مناطق اشغال شده را آزاد سازد. هم اکنون پس از شکست داعش، عراق در حال خروج از یکی از مخرب ترین دوره های خشونت و منازعه تاریخ خود بوده و در پی آن است تا با اجرای برنامه های بازسازی و ایجاد ثبات در مناطق و بخش های آسیب دیده، وضعیت کشور را به حالت عادی بازگرداند. میزان تلفات انسانی و مجروحین این خشونت تروریستی بسیار قابل توجه بوده است، به طوری که برخی آمارهای منتشر شده، میزان کشته شدگان را تا ۱۸۰۰۰ نفر و میزان مجروحین را بالغ بر ۳۶۰۰۰ هزار نفر اعلام کرده اند. در طی این بحران همچنین بیش از ۵ میلیون نفر از شهروندان این کشور مجبور به مهاجرت شدند و بیش از ۱۱ میلیون نفر نیز نیازمند کمک های انسان دوستانه

بررسی خسارت های فیزیکی ناشی از جنگ در کشورهای عراق، سوریه و یمن

در سال های اخیر جنگ و نزاع در کشورهای عراق، سوریه و یمن منجر به کشته و مجروح شدن هزاران نفر، آوارگی و پناهندگی میلیون ها نفر و میلیاردها دلار خسارت به بخش های اجتماعی، تولیدی، مالی، بانکی و زیربنایی این کشورها شده است. در عراق اشغال بخش هایی از این کشور توسط گروه تروریستی داعش و جنگ آن ها با نیروهای امنیتی و نظامی عراق و نیروهای ائتلاف بین المللی برای بازپس گیری مناطق اشغالی، خسارت های فراوانی را به عراق وارد آورد، به نحوی که بسیاری از زیرساخت های حیاتی این کشور را از بین برده است. در طی بحران، این گروه تروریستی توانسته بود برخی از شهرهای اصلی عراق همچون موصل، فلوجه، تکریت، الرمادی و تعداد زیادی

اولیه نظیر غذا، دارو و مسکن می‌باشند. گزارش‌های بانک جهانی که با همکاری دولت عراق تهیه شده است هزینه بازسازی لازم برای استان‌هایی که به صورت مستقیم تحت تأثیر جنگ بوده‌اند را در طی ۵ سال آینده حدود ۸۸ میلیارد دلار تخمین زده‌اند (World Bank Report, part I: p7). اما مقامات دولت عراق از جمله حیدر العبادی نخست وزیر وقت عراق هزینه بازسازی مناطق آسیب دیده را بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده است. نمودار زیر میزان خسارات و نیازهای موجود را به تفکیک بخش‌های مختلف در عراق نشان می‌دهد.

در سوریه جنگ داخلی و دخالت نظامی خارجی در مقایسه با دو کشور عراق و یمن، صدمات بسیار بیشتری به این کشور وارد کرده است، به طوری که هم‌اکنون در سوریه بیش از ۱۳,۵ میلیون نفر از مردم این کشور نیازمند کمک‌های بشر دوستانه هستند. که از این تعداد ۴,۶ میلیون نفر در شرایط بسیار سختی قرار دارند. از جمعیت تقریباً ۲۰ میلیونی پیش از جنگ سوریه ۱۱,۱ میلیون نفر در خود سوریه و در کشورهای دیگر آواره و پناهنده شده‌اند (۴,۸ میلیون نفر به عنوان پناهنده و ۶,۳ میلیون نفر آواره داخلی هستند). این جنگ بین ۴۰۰,۰۰۰ (UN, April 2016) تا ۴۷۰,۰۰۰ (Syrian Center For Policy Research, February) 2016 کشته داشته است و همان‌طور که بیان شد بیش از

نیمی از جمعیت کشور، پناهنده و آواره شده‌اند برآوردهای متعددی نیز از هزینه‌های بازسازی سوریه ارائه شده است. به طور مثال بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که حداقل ۲۲۶ میلیارد دلار لازم است تا دولت سوریه به شرایط عادی بازگردد (خبرگزاری دیلی صباح^۱). اما عمده پیش‌بینی‌ها هزینه‌هایی بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلیارد دلار را در بر می‌گیرد (Flanders & Delen, 2018: p3).

در یمن جنگ نیروهای ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی علیه این کشور که از مارس ۲۰۱۵ تاکنون ادامه دارد، به طور روز افزون در حال ویران ساختن اقتصاد و زیرساخت‌های این کشور است. ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که از جمعیت ۲۷,۵ میلیون نفری این کشور حدود ۲۲,۲ میلیون نفر نیازمند کمک هستند و از این تعداد ۱۱,۳ میلیون نفر نیازمند کمک‌های فوری و اضطراری می‌باشند و با ادامه درگیری‌ها بر این تعداد به طور روز افزون اضافه می‌شود. از اکتبر ۲۰۱۵ تا دسامبر ۲۰۱۷ مراکز بهداشتی و درمانی یمن از کشته شدن ۸,۷۵۷ نفر و زخمی شدن بیش از ۵۰,۶۱۰ در اثر درگیری‌ها خبر داده‌اند و بیش از ۳ میلیون نفر مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند. این وضعیت بحرانی سبب شده است تا میلیون‌ها نفر نیازمند کمک‌های بشر دوستانه باشند، به گونه‌ای که ۱۷,۸ میلیون نفر از ناامنی غذایی رنج

1 www.dailysabah.com

سیاسی ایران به برنامه‌های بازسازی این سه کشور جنگ زده، چالش اولیه تدوین و اجرای یک طرح و برنامه بازسازی است که اهداف، محدودیت زمانی و مالی، ارزیابی مناسب از تخریب و نیازها را به طور جامع در نظر گیرد. به همین منظور پژوهش حاضر در نخستین گام به بررسی و ارزیابی کلی خسارات فیزیکی پرداخته است و تلاش شده است تا آنجا که امکان پذیر است ارزیابی جامعی از میزان خسارت‌ها صورت گیرد تا نیازها و اولویت‌های سه کشور در برنامه بازسازی آشکار گردد.

به تعبیری روشن‌تر، هدف اصلی فاز اول پژوهش ارزیابی خسارات و نیازهای سه کشور عراق، سوریه و یمن در بخش‌های اجتماعی (مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، میراث فرهنگی و گردشگری)، بخش‌های تولیدی (کشاورزی و دامداری، صنعتی و بازرگانی)، بخش‌های مالی و بانک‌داری و بخش‌های زیربنایی (حمل و نقل، برق و انرژی، نفت و گاز) است تا فرصت‌های موجود جهت حضور ایران در برنامه بازسازی این کشورها هر چه بهتر شناسایی گردد. فاز اول این پژوهش از سه بخش تشکیل شده که هر کدام به یک کشور اختصاص یافته است. هر بخش نیز خود به سه فصل شامل، چارچوب پژوهش، برآورد میزان خسارت‌های فیزیکی و شناسایی و معرفی نیازمندی‌های هر کشور تقسیم شده است.

می‌برند و ۱۶ میلیون نفر به آب آشامیدنی بهداشتی دسترسی ندارند. همچنین ۱۶,۴ میلیون نفر نیز نیازمند مراقبت‌های بهداشتی و درمانی هستند. با وجود ادامه داشتن جنگ شدید در یمن، عدم ثبات و امنیت، فقدان یک دولت مرکزی و همچنین مشخص نبودن میزان خسارات و نیازمندی‌های این کشور در بخش‌های مختلف، به نظر می‌رسد طرح موضوع بازسازی این کشور زود هنگام باشد. به همین منظور در پژوهش حاضر صرفاً تلاش می‌شود نیازهایی که مردم یمن در بخش‌های مختلف دارند بر حسب شدت و نوع نیاز بیان گردد.

بنابراین احیاء و بازسازی این کشورها یکی از ضرورت‌ها و مسئولیت‌های مهم ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود. چراکه عدم توجه به بازسازی هر چه سریع‌تر این کشورها، منجر به ظهور و تشدید مجدد خشونت‌ها و مشکلات زیست محیطی، بیکاری و بیماری‌های واگیردار در این مناطق می‌شود که می‌تواند کشورهای پیرامونی را نیز متاثر سازد. این مسئله توجه بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را که منافع اقتصادی، سیاسی-امنیتی و استراتژیک متعددی در ارتباط با این کشورها دارد، به خود جلب کرده است. تجربه جهانی نشان می‌دهد که دوران بازسازی، دشوارترین مرحله حیات سیاسی یک کشور جنگ‌زده است. جهت ارائه راهکارهای ورود اقتصادی،

برای انجام چنین پژوهش گسترده‌ای محدودیت‌های زیادی بر سر راه وجود داشته است: محدودیت و عدم شفافیت در داده‌ها، گستردگی دامنه ارزیابی، تداوم جنگ و تخریب‌ها در سوریه و یمن، پیچیدگی وضعیت سیاسی و عدم امنیت و همچنین ارزیابی از راه دور از جمله مهمترین محدودیت‌ها و چالش‌های پیش‌روی این پژوهش بوده است. ارائه اطلاعات نیز منوط به دسترسی می‌باشد به طور مثال در مورد عراق با توجه به پایان یافتن جنگ در این کشور و برگزاری کنفرانس بازسازی در کویت، داده‌ها و گزارش‌های نسبتاً جامعی در مورد میزان خسارات، هزینه‌های مورد نیاز و اولویت‌ها و پروژه‌های اصلی این کشور در دسترس می‌باشد. اما در ارتباط با دو کشور سوریه و یمن به دلیل ادامه درگیری‌ها و تخریب‌ها، تاکنون گزارش و ارزیابی جامعی از سوی نهادهای دولتی و بین‌المللی تهیه نشده است. بنابراین در ارتباط با سوریه و یمن داده‌ها و اطلاعات موجود صرفاً بر مبنای درصد فیزیکی تخریب‌ها و تعداد افراد نیازمند کمک در بخش‌های مختلف ارائه شده و در مورد هزینه مالی خسارت ایجاد شده نیز صرفاً اطلاعات پراکنده‌ای وجود دارد که بدان اشاره شده است. داده‌های گردآوری شده نیز تا حدود زیادی متکی بر گزارش‌های سازمان ملل، بانک جهانی، یونیسف، نهادهای حقوق بشری، تحقیقات و پژوهش‌های نهادهای دولتی، تصاویر

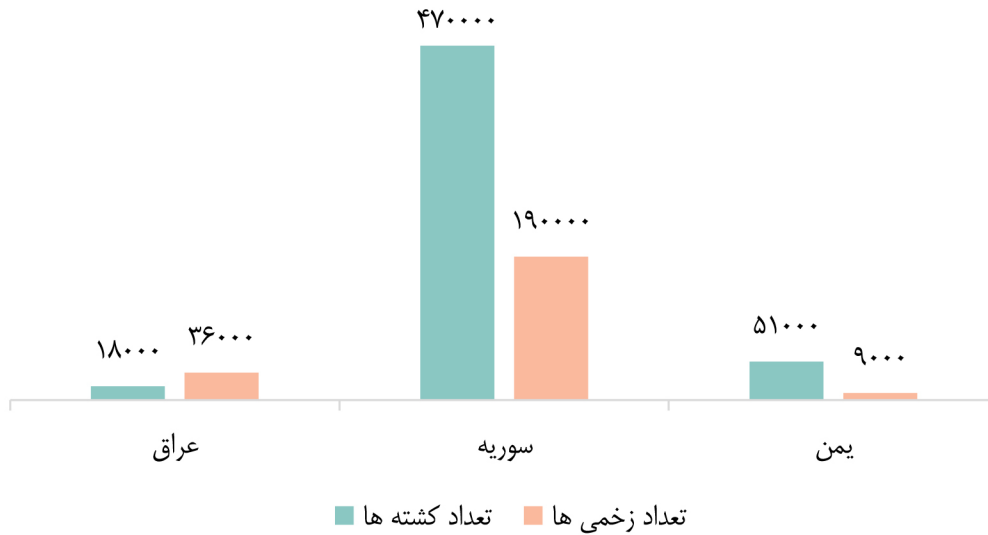
ماهواره‌ای و تحلیل‌های رسانه‌های اجتماعی می‌باشد. دامنه‌ی جغرافیایی پژوهش در هر یک از کشورها، بیشتر شامل استان‌ها و شهرهایی است که به طور مستقیم تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند و محدوده زمانی از آغاز درگیری‌ها لحاظ شده است. محدوده مکانی و زمانی هر سه کشور به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱) در عراق تمرکز بر هفت استان است که عبارت است از: ۱. بغداد ۲. نینوا ۳. صلاح‌الدین ۴. الانبار ۵. دیاله ۶. کرکوک ۷. بابل. در این ۷ استان نیز بر ۱۶ شهر زیر که بیشترین آسیب را دیده‌اند تمرکز می‌شود که عبارتند از: الجلاول، السعديه، الباع، بیجی، باخدیده، الفلوجه، الحطره، هت، موصل، المقدادی (همان)، الرمدي، سینجر، الشیرقط، طالعفر، طالقپه، قره‌تپه. این پژوهش در ارتباط با موضوع خسارت‌های وارد شده دوره زمانی ۵ ساله ما بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ را پوشش می‌دهد و در ارتباط با موضوع نیازها و اولویت‌های سرمایه‌گذاری که دولت عراق در چشم‌انداز و اسناد توسعه‌ای خود به آن پرداخته‌است محدوده زمانی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۷ را مد نظر قرار می‌دهد.
- ۲) در سوریه تمرکز بر ۱۱ استان است که عبارتند از: الحسکه، الرقه، القنيطرة، ادلب، حلب، حماه، حمص، درعا، دیرالزور، ریف دمشق، مدینه الدمشق. محدوده

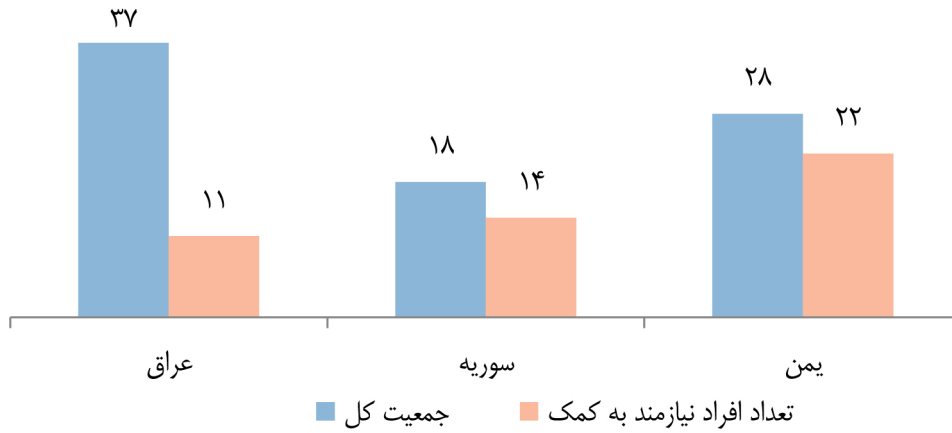
زمانی نیز سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ را پوشش می‌دهد. کرده‌است. از همین رو ثبات و احیاء استان‌ها و شهرهای (۳) در یمن تمرکز بر ۶ استان است که عبارتند از: صنعا، تعز، عدن، حجه، إب، ذمار. محدوده زمانی بررسی نیز سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ را پوشش می‌دهد.

ثبات و رشد نسبی سوق خواهد داد. نمودارهای زیر اطلاعات موجود در زمینه میزان کشته‌ها و زخمی‌ها، آوارگی و مهاجرت، تعداد افراد نیازمند و تخمین هزینه‌های بازسازی در سه کشور را به طور مقایسه‌ای نشان می‌دهد.

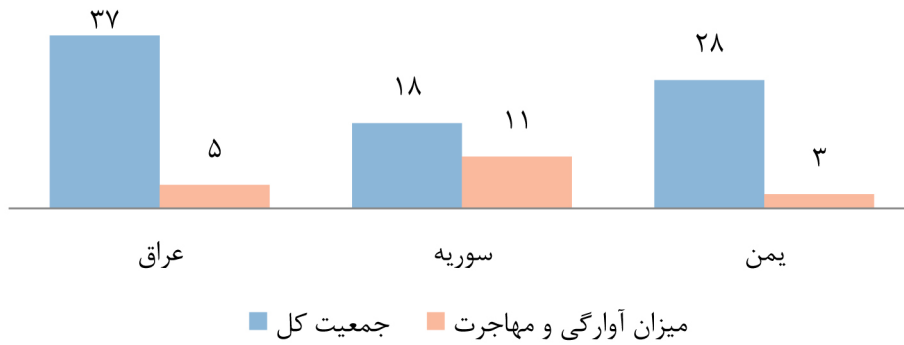
آسیب‌های وارد شده به این استان‌ها و مهاجرت و آوارگی مردم این مناطق، موجبات ناامنی و آسیب‌پذیری سایر استان‌ها را در این کشورها به صورت غیرمستقیم فراهم



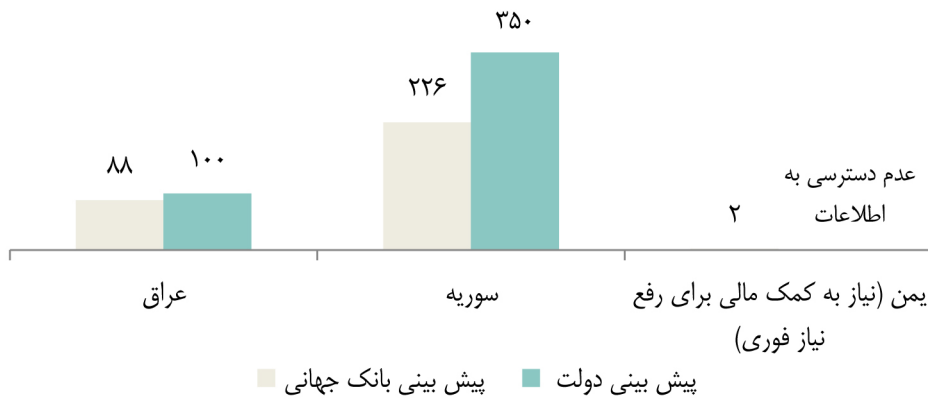
شکل ۱- مقایسه آمار تلفات در سه کشور عراق، سوریه و یمن (برحسب نفر)



شکل ۲- مقایسه آمار تعداد افراد نیازمند به امداد رسانی (بر حسب میلیون نفر)



شکل ۳- مقایسه آمار میزان آوارگی و مهاجرت در سه کشور عراق، سوریه و یمن (بر حسب میلیون نفر)



شکل ۴- مقایسه آمار هزینه‌های مورد نیاز بازسازی (میلیارد دلار)

جدول زیر نشان‌دهنده حجم خسارات وارد شده در سه کشور بر اساس اطلاعات موجود می‌باشد.

جدول ۱- میزان نیازهای بازسازی در سه کشور عراق، سوریه و یمن به تفکیک بخش‌های مختلف (میلیون دلار)

بخش	میزان نیاز موجود در عراق	میزان نیاز موجود در سوریه	میزان نیاز موجود در یمن	جمع
بخش‌های اجتماعی				
مسکن	۱۷۴۴۱	۱۵۴۰۰	۲۰۰	۳۳۰۴۱
سلامت	۴۳۶۵	۵۳۰۰	۵۷۸	۱۰۲۴۳
آموزش	۴۵۶۱	۱۰۰۰۰	۵۳۲	۱۵۰۹۳
میراث فرهنگی و گردشگری	۱۷۱۶	۶۰۰	؟	۲۳۱۶
بخش‌های تولیدی				
کشاورزی	۳۳۹۳	۶۰۰۰	۱۲۷۰	۱۰۶۶۳
بازرگانی و صنعت	۱۰۵۸۰	۶۰۰۰	؟	۱۶۵۸۰
بخش‌های زیربنایی				
انرژی	۹۱۱۲	؟	؟	۹۱۱۲
نفت و گاز	۷۲۰۹	۸۰۰۰	؟	۱۵۲۰۹
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۶۴۴	؟	؟	۶۴۴
حمل و نقل	۳۹۶۰	۱۹۹۴	؟	۵۹۵۴
آب و بهداشت	۲۴۴۲	؟	۲۹۸	۲۷۴۰
خدمات شهری	۱۲۶	؟	؟	۱۲۶
جمع کل	۶۵۵۴۹	۷۱۲۹۴	۲۸۷۸	۱۳۹۷۲۱

ارقام بدست آمده از برآورد خسارات وارد شده در سه کشور عراق، سوریه و یمن نشان می‌دهد که میزان نیازهای بازسازی حدود ۱۴۰ میلیارد دلار می‌باشد که به تفکیک بخش‌های مختلف در جدول ۱ مشخص شده است. میزان خسارات وارده در کشور یمن به سبب در جریان بودن جنگ هنوز بطور دقیق در دسترس نیست و ارقام ذکر شده نیازهای فوری این کشور برای خروج از شرایط بحران است. هرچند این ارقام در مقایسه با خسارات درج شده برای سوریه و عراق ناچیز است اما بلافاصله پس از پایان جنگ یمن نیازمند این مبالغ سرمایه‌گذاری برای ورود به فاز بازسازی است.

مطالعه و تحلیل الگوهای کمک در سطح بین‌المللی

در بخش دوم این پژوهش، مهم‌ترین مدل‌ها و استراتژی‌های مرتبط با موضوع بازسازی‌های پس از جنگ مورد بررسی قرار گرفت که هر یک می‌تواند به مثابه نقشه راهنما، مسیر بازسازی و نحوه ورود به این موضوع را نشان دهد. تعدد راهبردهای موجود در این زمینه نشان‌دهنده این است که ویرانی‌های حاصل از جنگ موضوعی چند بعدی است. در واقع جنگ نه تنها باعث کشتار انسانی و تخریب‌های فیزیکی می‌شود بلکه باعث تخریب نهادهای

اجتماعی و همبستگی اجتماعی نیز می‌شود. از همین رو در نوشتار حاضر این استراتژی‌ها احصاء شد تا دید و بینشی نسبتاً جامع در این زمینه حاصل گردد. اما پیش از پرداختن به این استراتژی‌ها، برخی روش‌های تأمین مالی و اهداف مشارکت کشورها در کمک به بازسازی کشورهای آسیب‌دیده و همچنین برخی ویژگی‌های استراتژی‌های موفق بازسازی بیان گردید. در ادامه ابعاد مختلف این استراتژی‌ها شناسایی شده و همچنین اهداف کشورهای مختلف در کمک به بازسازی کشورهای آسیب‌دیده مورد بررسی و تدقیق قرار گرفت. در قسمت بعدی این فاز از گزارش برخی از مصادیق کمک‌های انجام شده به کشورهای هدف این مطالعه یعنی عراق، سوریه و یمن معرفی و تحلیل شد. بررسی عینی مصادیق این کمک‌ها می‌تواند نشان‌دهنده رویکرد کشورهای کمک‌کننده در ورود به مسئله بازسازی بوده و راهنمایی برای برنامه‌ریزی و هدایت اقدامات عملی در این زمینه باشد.

از منظر چارچوب مفهومی تحقیق می‌توان موارد مطالعاتی را در چارچوب مورد نظر جانمایی کرده و ویژگی‌های هر کدام را برشمرد. همچنین بر مبنای تحلیل ماهیت کمک‌های ارائه شده و بررسی روند کمک‌ها به کشورهای کمک‌گیرنده می‌توان رویکرد کلی کشورهای ارائه‌دهنده کمک را شناسایی نموده و رویکردهای کلی را به هر کدام

از آنها متناسب کرد. استراتژی‌های هر کشور نیز متناسب با رویکرد کلی آن کشور در ارائه کمک مشخص می‌گردد.



شکل ۵- جانمایی موارد مطالعه در چارچوب اولیه تحقیق

تأکید بر نهادسازی و بازسازی‌های اجتماعی و فرهنگی داشته است. این رویکرد از آنجایی نشأت می‌گیرد که غالب این نوع کمک‌ها بین کشورهای جریان دارد که به نوعی شرکای راهبردی یکدیگر در امور بین‌المللی و سیاست‌ورزی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. لذا ترمیم ساختاری و نهادی کشور آسیب‌دیده در اولویت قرار خواهد داشت. در مرحله بعدی می‌توان آثار اولویت‌ها و معیارهای اقتصادی را در کمک‌ها مشاهده نمود. هر چند که مقاصد و معیارهای اقتصادی مستتر در بیانیه‌هایی است که به صورت اعلامی اجتماعی و

همانطور که در شکل شماره ۵ نیز نشان داده شده است، در این تحقیق کمک‌های پنج کشور کمک‌دهنده به بیش از ده کشور، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در سه دسته کلی طبقه‌بندی شدند.

✓ در دسته اول که کمک کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته است کمک‌های استرالیا به ژاپن و همچنین کمک‌های آمریکا به کشورهای اروپایی در قالب طرح مارشال مورد بررسی قرار گرفت. بررسی این کمک‌ها نشان می‌دهد که رویکرد کلی آنها در کمک‌های توسعه‌ای در مرحله اول و با شدت بالایی

فرهنگی عنوان شده است. لذا پس از گذشت سال‌ها از اجرای این طرح‌ها، می‌توان مشاهده کرد که اثرات اقتصادی به‌طور پررنگ‌تری بر جای مانده است. ✓ در دسته دوم که کمک کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه قرار دارد، کمک ژاپن به کشورهای عراق، سوریه و یمن مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم توجه به بازسازی نهادی و اجتماعی، اما رویکرد اقتصادی و زیرساختی از وزن و اهمیت بالاتری برخوردار است. اما نکته مهم و جالب توجه در این بررسی‌ها اجین بودن کمک‌های اقتصادی و زیرساختی با کمک‌های اجتماعی و نهادی است، بگونه‌ای که کمک‌های اجتماعی و اقتصادی لازم و ملزوم هم به‌هم می‌رسد. ✓ در دسته سوم که کمک کشورهای در حال توسعه به کشورهای در حال توسعه قرار دارد، کمک ایران به بازسازی افغانستان و همچنین کمک‌های ترکیه به برخی از کشورها از جمله عراق و سوریه مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی‌ها نشان می‌دهد رویکرد غالب در این دسته ارائه کمک‌های اقتصادی و زیرساختی است و توجه بسیار کمی به کمک‌های اجتماعی و نهادی شده است. همین موضوع سبب شده تا اثربخشی کمک‌های بازسازی و توسعه‌ای توسط این کشورها

کاهش محسوسی داشته باشد.

لذا بررسی تجارب عملیاتی در موضوع بازسازی بر مبنای چارچوب پیشنهادی نشان می‌دهد که مشارکت در بازسازی کشورهای جنگ‌زده از منظر اقتصاد سیاسی، دو نوع ارتباط مالی میان دولت‌ها را شامل می‌شود. یکی مشارکت در چارچوب کمک‌های خارجی کشورها به یکدیگر و دیگری در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت می‌گیرد. اما بسیاری از مشارکت‌های خارجی در بازسازی پس از جنگ، هر دو نوع را شامل می‌شوند. در واقع دولت‌ها در قالب کمک‌های بلاعوض و اعطای وام و به صورت دو یا چندجانبه به کشورهای بحران‌زده یاری می‌رسانند. این کمک‌ها در اکثر موارد از مجاری سازمان‌های بین‌المللی و به ویژه سازمان ملل محقق می‌شوند. اما کمک‌های خارجی در بسیاری از موارد به دلایلی مانند فساد و ناکارآمدی در کشور گیرنده و اهداف استعماری کشورهای اعطاکننده با انتقادهای جدی روبه‌رو بوده است. مشارکت در بازسازی از طریق سرمایه‌گذاری نیز مسیر دیگری است که در آن بخش خصوصی یا دولتی یک کشور در کشور جنگ‌زده یا بحران‌زده دیگر اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند و هدف از این سرمایه‌گذاری بر سودآوری اقتصادی آن متمرکز است. علاوه بر این، همکاری اقتصادی در راستای کسب اعتبار و نفوذ بین‌المللی نیز صورت می‌گیرد. به ویژه از آن رو که

- بازسازی نقش اصلی را در جلوگیری از بروز دوباره بحران، در جوامع هدف، ایفا می‌کند. منافع سیاسی و امنیتی نیز از جمله مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در این مشارکت‌های بین‌المللی است. این دست منافع، هم در تصمیم‌گیری دولت‌ها برای اقدام به مشارکت و میزان آن مؤثرند و هم در هدف‌گذاری دولت‌ها برای آینده روابطشان، مورد توجه قرار می‌گیرند. در بسیاری از موارد نیز مشارکت در بازسازی در چارچوب منافع فرهنگی یا هویتی قابل تحلیل هستند.
- از همین رو توجه به تجربه تاریخی کشورها در این زمینه حائز اهمیت است. این تجارب تاریخی بازسازی به ما نشان می‌دهند که پروژه‌های بازسازی موفق، چندین ویژگی اصلی داشته‌اند که توجه به آن در هر راهبرد یا استراتژی بازسازی ضروری به نظر می‌رسد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از:
۱. این استراتژی‌ها عمده هزینه‌ها و کمک‌ها را به حوزه‌ها یا بخش‌هایی اختصاص داده‌اند که نقش اصلی و ریشه‌ای در بروز درگیری‌ها داشته‌اند و از این طریق تلاش نموده‌اند تا از بروز مجدد درگیری‌ها جلوگیری به عمل آورند. در واقع توجه به علل ریشه‌ای درگیری‌ها به شکل مؤثری می‌تواند به یک برنامه بازسازی و احیاء مؤثر شکل دهد.
 ۲. این استراتژی‌ها آشکارا انعکاس‌دهنده نیازهای بلندمدت، نظام‌مند و براساس منابع موجود بوده‌اند.
 ۳. این استراتژی‌ها اتکای بسیار کمی به نیروی انسانی خارجی داشته باشند و بیشتر بر ظرفیت‌های بومی متکی بوده‌اند.
 ۴. به علت پیچیدگی‌های بازسازی پس از جنگ، تصمیم‌گیری جامع در ارتباط با نحوه مداخله در بازسازی، بدون وجود ارتباط فعال بین مؤسسات تحقیقاتی مرتبط، کاربست مناسب یافته‌های تحقیقاتی کلیدی و همکاری متوازن با آژانس‌ها و هم‌تایان محلی و بومی غیر ممکن خواهد بود.
 ۵. برنامه‌های بازسازی موفق بیش از آنکه توسط مرحله اضطراری مشخص شود توسط فاکتورهایی از قبیل کاهش نیروهای خارجی، بودجه و زمانبندی مشخص می‌شوند.
 ۶. استراتژی‌های موفق، هم به خسارات اجتماعی و غیرمادی توجه داشته‌اند و هم به خسارات فیزیکی و مادی.
 ۷. آژانس‌های خارجی اغلب ارزش منابع بومی را کم اهمیت برآورد می‌کنند و نگرششان نسبت به جامعه بومی برحسب نگرش قربانی و حامی، نیروهای غیرحرفه‌ای و حرفه‌ای یا مشارکت‌کنندگان غیرفعال و فعال قرار دارد.

این دوگانه انگاری‌ها و قطییت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بی‌اعتمادی باشد و مشارکت عمومی را متوقف سازد و تا حدود زیادی قدرت و نیروی تلاش‌های امدادی را کاهش دهد. استراتژی‌های موفق از این امر اجتناب کرده‌اند.

۸. نهایتاً در استراتژی‌های موفق بر اطلاعات و استفاده از تکنولوژی‌های موجود برای انتقال اطلاعات، بیشتر از پول و منابع مالی توجه و تأکید شده است.

ملاحظات در باب مشارکت ایران در بازسازی با توجه به نیازمندیها و امکانات و معیارهای بین‌المللی مشارکت

با در نظر گرفتن اهمیت راهبردی موقعیت کشورهای کمک‌دهنده و کمک‌گیرنده اینگونه پیشنهاد می‌شود که جمهوری اسلامی ایران برای ارائه کمک به کشورهای جنگ‌زده عراق، سوریه و یمن تمرکز خود را بر الگوبرداری از حالت کمک کشورهای در حال توسعه به در حال توسعه گذارده و در عین حال از درس‌آموخته‌های دیگر حالات کمک نیز برای افزایش ضریب موفقیت استفاده نماید.

نکات مهم دیگری که در کنار چارچوب‌های مطالعاتی و حتی در سطحی بالاتر، بایستی به آن توجه شود عبارتند از:

- رویکرد ایران در کمک به این سه کشور، بایستی

به‌طور شفاف تبیین گردد. گام اول در این مهم، تدوین یک سند بالادستی است که در آن چشم‌انداز، اهداف و اولویت‌های کمک تبیین شده باشد. توجه به توانمندی‌های داخلی یکی از موارد مهم در این امر است. در این گام می‌توان از رویکردها و گفتمان‌های نوین همکاری توسعه‌ای مانند دیپلماسی علم و فناوری، دیپلماسی اقتصادی، همکاری‌های توسعه‌ای جنوب-جنوب و ... استفاده نمود. گام دوم تعیین متولی محوری ارائه کمک در ایران است. همانطور که در الگوهای بررسی شده نیز مشاهده شد، وجود یک متولی به عنوان محور بازیگران ارائه کمک، هم در سطح برنامه و هم در سطح اجرا به افزایش میزان موفقیت برنامه کمک شایانی نموده است. گام سوم نیز مشخص نمودن بازیگران داخلی برای مشارکت در این برنامه یا به عبارتی ترسیم ساختار ارائه کمک در حوزه بازسازی است.

- حتی با وجود ساختار عمومی و نهاد متولی امر، توجه به محدودیت منابع و توانمندیها و همچنین فعالیت رقبا در کشورهای هدف، لازم است که در هر برنامه خاص در حوزه‌های مختلف، متناسب با ویژگیهای حوزه و نوع نیازمندی و توانمندی، ارزیابیهای پیشینی از هر برنامه صورت پذیرد. چند نمونه از این موارد در بخش

چهارم ارائه شده است.

کار قرار گیرد.

اما آنچه که فراتر از تقسیم بندی انواع کمک ها اهمیت دارد، رویکردی است که کشور کمک کننده در عرضه کمک خود بدان توجه می نماید. با مطالعه رویکردهای متفاوت به موضوع مشارکت در بازسازی و کمک به کشورهای آسیب دیده در موارد مورد بررسی در فصل دوم، میتوان مشاهده نمود که دو رویکرد غالب در تمامی انواع کمک وجود دارد. رویکردهای متمایل به مشارکت در بخش های عمرانی و اقتصادی و رویکردهای متمایل به مشارکت در بخش های فرهنگی و اجتماعی.

با توجه به تنوع مسائل درگیر در خصوص بازسازی و کمک، لازم است که بر حسب شرایط مقتضی، بازیگران مرتبط در فعالیت ها مشارکت داده شوند که ممکن است الزاماً دولتی نبود و بخش خصوصی یا سازمان های مردم نهاد را نیز در برگیرند. منابع تأمین مالی و نیروی انسانی و تجهیزات فعالیت ها به درستی برآورد شده و در صورت امکان از روش های نوین تأمین مالی مانند روش های مشارکتی سه جانبه و شبکه ای بهره گرفته شود.

۱-۳ رویکرد اول: رویکرد متمایل به مشارکت در

بخش های عمرانی و اقتصادی

واضح است که کشور نیازمند کمک در موضوع مطالعه این پروژه که آسیب های ناگهانی و جنگ است، در درجه اول به کمک مالی و عمرانی نیازمند است. کشور کمک کننده نیز یکی از اولویت های مد نظر خود را بازگشت اقتصادی می داند. این رویکرد در دهه های اول آغاز کمک های خارجی به منظور رشد و توسعه، هدفی غالب محسوب می شده است. در حال حاضر نیز این رویکرد، با وجود پرنگتر شدن رویکرد فرهنگی و اجتماعی، اهمیت خود را از دست نداده است و می توان گفت کشورهای عرضه کننده کمک برای نیل به اهداف کوتاه مدت، این موضع را کنار

مطالعه موارد و تجربیاتی از داخل کشور، این امر را ثابت کرده که بدون گرفتن بازخور از سوی کشور گیرنده کمک و ارزیابی عملکرد واحدهای فعال در حوزه کمک، توزیع مناسبی از کمک در راستای نیازهای گیرنده صورت نگرفته و ادامه فعالیت را با توجه به حضور دیگر کمک کنندگان، به یک حضور با تأثیر حداقلی بدل خواهد نمود. این بازخورها، با کمک به حفظ سطح کیفی کمک ها، تضمین کننده حسن شهرت و ادامه کار در کشور گیرنده کمک به عنوان همکار نیز خواهد شد. لذا از ابتدای طراحی اقدامات در هر سه سطح بالا، بایستی مکانیزم های ثبت و جمع آوری داده و ارائه گزارش های عملکرد، در دستور

نگذاشته‌اند. ضمن اینکه تأثیرات آنی اینگونه کمک‌ها به واسطه ملموس بودن (مثلاً خبر کمک‌های نقدی یا ساختمان سازی)، باعث ایجاد تصویری در ذهن مردم کشور گیرنده کمک خواهد شد.

این رویکرد در مشارکت، مستلزم دسترسی سریع و آسان به منابع مالی توسط کشور کمک‌کننده است. در واقع در این رویکرد، مهم‌ترین توانمندی کشور کمک‌کننده، توانمندی مالی است. با توجه به اولویت داشتن مسائل مالی، مسائل دیگری مانند نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی در ملاحظات برای مشارکت، در درجات آخر قرار می‌گیرند. اما باید توجه داشت که با اتخاذ صرف این رویکرد، پایداری حضور در کشور هدف، منوط به تداوم کمک‌های مستقیم خواهد بود.

۲-۳ رویکرد دوم: رویکرد متمایل به مشارکت در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی

در مطالعه برنامه‌ها و پروژه‌های متأخرتر مانند کمک استرالیا به ژاپن - توجه بیشتر به رویکردهای اجتماعی و فرهنگی، در فعالیت‌ها مشهود است. چنان‌که حتی در بسیاری از پروژه‌های با ابعاد اقتصادی بیشتر، توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند برنامه‌های آموزش و توانمندسازی، برنامه‌های تفریحی، برابری جنسیتی و ... باعث چندبعدی بودن رویکردها به یک فعالیت یا اقدام

شده است. به عنوان مثال پروژه ساخت یک مدرسه با برنامه‌های آموزشی، تفریحی و ... برای دانش‌آموزان، معلمان و والدین همراه بوده است. این رویکرد نیاز کمتری به منابع مالی دارد. حتی در این رویکرد می‌توان از روش‌های چندجانبه برای مشارکت نیز بهره گرفت.

اتخاذ این رویکرد مستلزم آشنایی با نیازمندی‌ها و ملاحظات اجتماعی و فرهنگی در کشور هدف است که ممکن است ابعاد مختلفی از جمله زبان، دین، قومیت، اشتغال و ... را در برگیرد. نکته قابل توجه در این رویکرد این است که استفاده از نزدیکی‌های فرهنگی و مزیت‌های همجواری و منطقه‌ای، میتواند زمینه‌ساز برنامه‌های بزرگتر اقتصادی و دستیابی به منافع ویژه‌ای از جمله جلوگیری از تضاد، دستیابی به متحد در سیاست بین‌الملل و ... برای کشور کمک‌کننده شود.

تأثیرات ویژه فعالیت‌هایی که کشور کمک‌کننده از قبل از بازسازی در آنها مشارکت داشته نیز بر ذهنیت مثبت مردم و مسئولین کشور کمک‌گیرنده، باعث تسهیل فعالیت‌های در حین بازسازی خواهد شد. به عنوان مثال مردم و مسئولین سوریه به واسطه کمک ایران در ابعاد نظامی و امنیتی، ذهنیت مثبتی به ایران دارند. بهره‌گیری از این ذهنیت مثبت در دیگر ابعاد اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌ساز ورود به بخش‌های اقتصادی دارای بازده (مشارکت‌های سرمایه‌گذارانه)

توجه داشته و برنامه ریزی بلندمدتی برای پایداری حضور در کشورهای کمک گیرنده داشته اند. یکی از مشهودترین تجارب در این زمینه تجربه مشارکت ایران در بازسازی افغانستان است که علیرغم در بر داشتن هزینه های سنگینی که در داخل و خارج کشور، نتایج لازم چه از نظر بازگشت اقتصادی - با وجود همجواری و داشتن مزیت های نسبی در حمل و نقل و گمرک- و چه از نظر تأثیرگذاری فرهنگی اجتماعی - با وجود تقارب فرهنگی، دینی و زبانی بسیار زیاد- موجب حضور پایدار ایران در افغانستان نشد.

با توجه به مطالب فوق و با وجود محدودیت جدی در منابع مالی ایران برای مشارکت در بازسازی کشورهای عراق و سوریه، به نظر میرسد راهکار بهینه برای مشارکت ایران در بازسازی این کشورها، اتخاذ رویکردهای اجتماعی و اقتصادی به طور همزمان و به ترتیب ذیل باشد:

- ✓ مشارکت در پروژه های منتخب (زمینه های دارای توانمندی و تأثیرات ویژه با توجه به نیازهای کشور هدف) با ابعاد اقتصادی و اجتماعی نسبتاً یکسان؛
- ✓ راه اندازی برنامه های اجتماعی و فرهنگی پایدار وابسته به حضور مستقیم نیروی انسانی مقیم در کشورهای هدف با توجه به موارد اجتماعی همسانی چون زبان، دین، قومیت و مسائل مشترکی مانند آلودگی آب، آلودگی محیط زیست، ازدواج،

رویکرد اجتماعی و فرهنگی

- مستلزم شناخت کشور کمک گیرنده
- عدم نیاز به دسترسی مستقیم به منابع مالی
- تأثیر مثبت بر جامعه
- زمینه ساز دستیابی به اهداف بلندمدت و پایداری حضور

رویکرد اقتصادی و عمرانی

- مستلزم دسترسی به منابع مالی
- از جنس مشارکت های مستقیم
- دستیابی به اهداف کوتاه مدت
- پایداری حضور بسته به تغییر رویکرد به سمت اجتماعی و فرهنگی و یا هزینه کرد دائمی

شکل ۶- ویژگی های رویکردهای مختلف به کمک و مشارکت در بازسازی

در نهایت همانطور که در موارد مطالعه نیز دیده می شود، نمی توان یک فعالیت یا اقدام را صرفاً اقتصادی و یا صرفاً اجتماعی نامید. بهترین تجارب در مشارکت در بازسازی کشورهای آسیب دیده، مواردی هستند که علاوه بر رویکردهای اقتصادی، به ابعاد اجتماعی و فرهنگی مسائل

بیکاری، آموزش و ...؛

✓ ورود اقتصادی به صورت سرمایه‌گذاری مشترک یا توسعه مراکز مشترک در حوزه‌های اولویت‌دار مسائل بالا.

پیشنهاد مدل‌هایی جهت مشارکت ایران در بازسازی کشورهای هدف با توجه به رویکردهای تحلیلی اتخاذ شده در مطالعه

در بخش آخر این گزارش، نمونه‌هایی عملیاتی از مدل‌های کسب و کاری که برای اجرا یا ترویج توسط نهادهای متولی داخلی در مشارکت برای بازسازی کشورهای آسیب‌دیده از جنگ ممکن است جذاب باشند، ارائه گردیده است. به طور قطع محدودیت‌های مختلف این تحقیق از جوانب مختلف در انتخاب و تبیین نمونه‌های پیشنهادی تأثیر داشته است و محققان ادعایی درباره انتخاب بهترین نمونه‌ها برای ورود کشور به مقوله بازسازی این کشورها ندارند؛ لکن بحث درباره ویژگی‌های مورد توجه در نمونه مدل‌های کسب و کار پیشنهادی، متضمن آشکار ساختن ابعاد و ویژگی‌هایی است که ممکن است در مطالعات مشابه کمتر بدان‌ها پرداخته شده باشد و از این منظر برای سیاست‌گذاران و متولیان امر ارزشمند باشد.

۱-۴ تجهیز مراکز آموزشی، تحقیقاتی و دانشگاهی کشورهای هدف با اجرایی‌سازی مدل بسط یافته نمایشگاه ساخت ایران

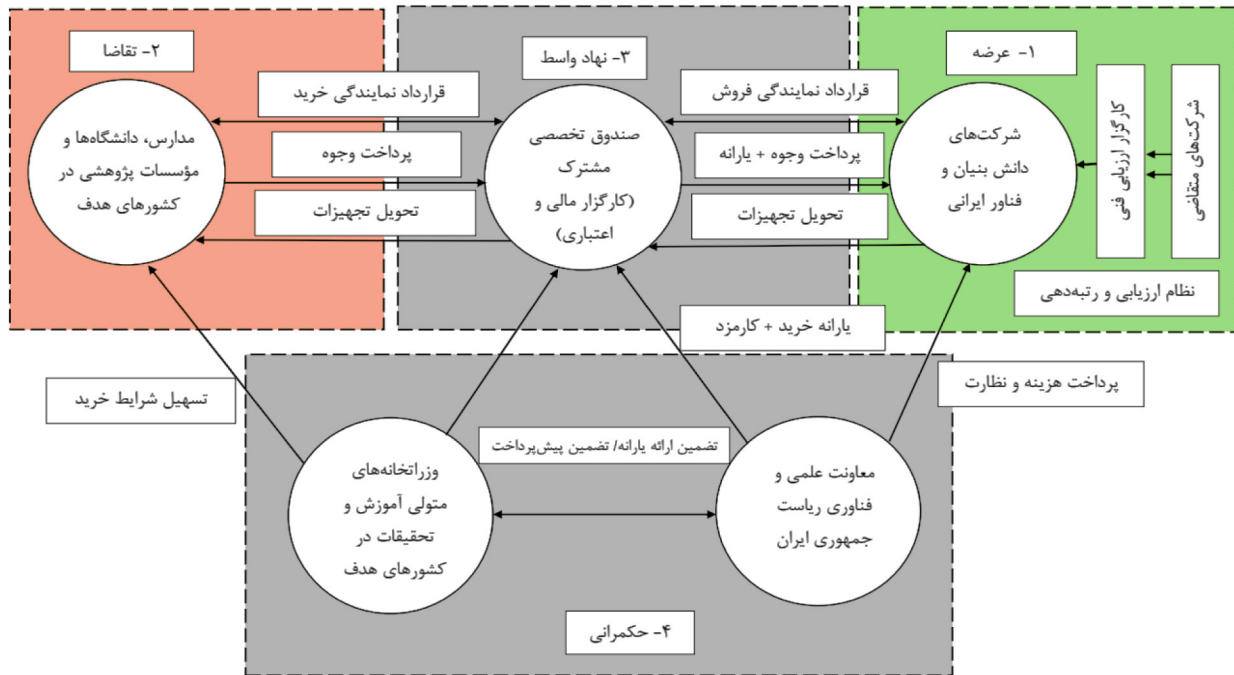
به طور کلی هر تعامل تجاری حداقل دو بخش عرضه و تقاضا را شامل می‌شود. به نحوی که عرضه‌کننده هر کالا و خدمت برای کسب موفقیت تجاری، ناگزیر از جلب توجه بخش تقاضا می‌باشد. به طور سنتی سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی بیشتر به بخش عرضه توجه داشته‌اند و کمتر تمهیداتی را برای تحریک و جلب بخش تقاضا اندیشیده‌اند. در میان سیاست‌های داخلی برای حمایت از نوآوری، سازوکار نمایشگاه «تجهیزات و مواد آزمایشگاهی ساخت ایران» یک الگوی مناسب برای تحریک و ترغیب طرف تقاضا محسوب می‌شود. در این نمایشگاه که از سال ۹۲ تاکنون توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برگزار می‌گردد، به طور کلی برنامه‌های حمایتی، متوجه طرف تقاضاست. در این الگو بخش‌های مختلفی که مشمول آیین‌نامه حمایتی می‌شوند در ازای تأمین و خرید مواد و تجهیزات آزمایشگاهی مورد نیاز خود تا سهم مشخصی، از یارانه خرید کالای ایرانی برخوردار می‌شوند. به عبارت دیگر، منطق چنین الگویی، منطق برد - برد است؛ چراکه از یک سو طرف تقاضا در ازای خرید کالای ایرانی مشمول یارانه می‌شود و می‌تواند با بودجه از پیش تعیین

علمی و فناوری، شرکت‌های حاضر در نمایشگاه، ۳۸۰ میلیارد تومان فروش را به ثبت رساندند.

با ذکر این مقدمه، یکی از پیشنهاد‌های عملیاتی این پژوهش در جهت حضور پررنگ و مؤثر ایران در جریان بازسازی کشورهای آسیب‌دیده از جنگ، تجهیز مراکز آموزشی، تحقیقاتی و دانشگاهی کشورهای هدف با اجرایی‌سازی مدل بسط یافته نمایشگاه ساخت ایران می‌باشد. بر این اساس، الگوی پیشنهادی در مدل بسط یافته به نسبت مدل پایه با تغییراتی مواجه خواهد شد که البته جزئیات این تغییرات باید متناسب با ساختار نهادی هر یک از کشورهای هدف (عراق یا سوریه) باشد. البته در شکل ۷ تلاش شده است تا مهمترین تغییرات در این الگو به صورت شماتیک و فرضی به نمایش درآید.

شده خود حجم بیشتری از کالاهای مورد نظر را برای تجهیز زیرساخت‌های خود استفاده نماید. و از سوی دیگر شرکت‌های عرضه‌کننده محصولات، مشتریان بیشتری را پیش روی خود می‌یابند. افزایش تقاضا خود ماهیت مثبتی در راستای ارتقاء محصولات قابل ارائه توسط عرضه‌کنندگان را در سال‌های آتی به همراه خواهد داشت.

در واقع در این الگو منابع در نظر گرفته شده برای اعطاء یارانه خرید به متقاضیان ماهیتی اهرمی دارد و منجر به جذب منابع مشتریان و یا سایر نهادهای حمایتی می‌گردد و از این طریق بازار بزرگ‌تری را برای تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان محصولات داخلی با فناوری برتر فراهم می‌آورد. بر اساس آمار موجود با برگزاری ۵ دوره نمایشگاه تجهیزات و مواد آزمایشگاهی ساخت ایران منتهی به سال ۹۷، در ازای اعطاء یارانه ۱۴۰ میلیارد تومانی از سوی معاونت



شکل ۷- الگوی کسب و کار تجهیز مراکز آموزشی، تحقیقاتی و دانشگاهی کشورهای هدف با اجرایی سازی مدل بسط یافته
نمایشگاه ساخت ایران

۲-۴ تولید قراردادی دارو در کشورهای هدف با مشارکت شرکت‌های دارویی ایرانی

از بررسی گزارش‌های مربوط به برآورد خسارات در کشورهای آسیب‌دیده از جنگ این نکته قابل استفاده است که بخش مربوط به بهداشت، درمان و سلامت یکی از محورهای مهم در بازسازی این کشورها محسوب می‌شود. با این حال، تقاضاها و نیازهای این بخش از لحاظ نوع و فوریت یکسان نیستند. برخی نیازها مربوط به واکسیناسیون و نیز تأمین آب شرب سالم است که از بعد اولویت زمانی، فوری قلمداد می‌شوند؛ ولی بیشتر ناظر به تأمین اقلام مصرفی بوده و عمدتاً بدون بازگشت اقتصادی مورد مطالبه کشورهای هدف هستند. این قبیل کمک‌ها عمدتاً در قالب کمک‌های فوریتی توسط نهادهایی همچون هلال احمر قابل ارائه هستند و کمتر ماهیتی زیرساختی دارند. دسته دیگری از نیازها نیز مربوط به بازسازی ابنیه بهداشتی و درمانی و نیز تجهیز آنهاست. این موارد اگرچه ذیل بخش بهداشت و درمان جانمایی شده‌اند اما بیشتر ماهیتی عمرانی دارند که باید در سبد پروژه‌های عمرانی مورد توجه قرار گیرند

طی سال‌های اخیر، شرکت‌های داروسازی ایرانی صادرات قابل توجهی را نیز تجربه نموده‌اند. حدود ۲۰ دانشکده داروسازی و بیش از ۱۵۰ شرکت دارویی در ایران فعالیت دارند. بیش از ۱۶۰ قلم ماده مؤثره دارویی در کشور تولید می‌شود و عمده خطوط تولید صنعت دارویی در داخل ساخته می‌شوند. همه این آمارها حاکی از موفقیت کشور در زمینه توسعه یکی از بخش‌های راهبردی و دانش‌بنیان است. به نحوی که ایران ضمن کسب جایگاه نخست در میان کشورهای منطقه در حوزه داروسازی، در زمینه تولید داروهای نو ترکیب در رده هفتم و در تولید کلی دارو در جمع ۱۰ کشور برتر دنیا قرار دارد. با این حال، ادامه رشد این صنعت مهم نیازمند رویکرد برون‌گرا و صادرات‌محور است. چراکه بازار داخلی نمی‌تواند پاسخگوی روند رو به رشد این صنعت پیشرفته باشد. در این میان تقاضاهای انباشته شده در کشورهای هدف این مطالعه می‌تواند محرکی مناسب برای همکاری بخش‌های متناظر در ایران و کشورهای سوریه و عراق باشد. البته همکاری ایران و این کشورها در حوزه دارو می‌تواند طیف متنوعی از صادرات محصول تا واگذاری کامل دانش‌فنی را شامل شود اما به دلایلی که در ادامه ذکر خواهد شد، به نظر می‌رسد همکاری بر اساس مدل‌های کسب و کار مشارکتی همچون تولید قراردادی (میانه این طیف) از تناسب بیشتری

و البته نیازمند منابع مالی قابل توجهی هستند که سازوکار تأمین مالی آن واجد اهمیت است. اما دسته سوم نیازها در بخش بهداشت و درمان مربوط به احیاء بخش‌های تولیدی مرتبط (به‌عنوان مثال صنایع داروسازی) می‌باشد. علی‌رغم تصور غالب، هر دو کشور سوریه و عراق پیش از جنگ در این زمینه واجد زیرساخت‌های نسبتاً مناسبی بوده‌اند که متأسفانه در دوران جنگ مورد تخریب واقع شدند. برای مثال طی دوره جنگ در سوریه، حدود ۲۰ کارخانه داروسازی تخریب شدند. احیاء این صنایع آسیب‌دیده از جهات مختلفی می‌تواند هم برای ایران و هم برای سوریه و عراق حیاتی باشند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که ورود به عرصه بازسازی از این منظر علاوه بر انطباق با نیاز کشورهای هدف به خوبی با توانمندی‌های ایران در این زمینه انطباق دارد. به تعبیر دیگر شایستگی کمک‌کننده نیز در این مدل کسب و کار مورد توجه قرار گرفته است.

هر چند تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی عمده داروهای مورد نیاز کشور از طریق واردات تأمین می‌شد اما طی چهار دهه گذشته، علی‌رغم تحریم‌های بین‌المللی، صنعت داروسازی ایران رشد قابل توجهی را تجربه نموده است. به نحوی که از لحاظ مقدار، حدود ۹۶ درصد از داروهای مورد نیاز کشور، در داخل تولید می‌شود. علاوه بر این،

برخوردار باشد. یک راه برای دسترسی به بازارهای خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک است. سرمایه‌گذاری مشترک به معنای شریک شدن با شرکت‌هایی در آن سوی مرزهای کشور برای تولید یا بازاریابی کالا یا خدماتی مشخص است. تفاوت سرمایه‌گذاری مشترک با صادرات محصول تمام‌شده در این است که در سرمایه‌گذاری مشترک، شرکت برای فروش یا بازاریابی در خارج از کشور با یک طرف تجاری دیگر شریک می‌شود و بخشی از فرایند تولید در کشور هدف انجام خواهد شد. سرمایه‌گذاری مشترک از این نظر نیز با سرمایه‌گذاری مستقیم فرق می‌کند که در سرمایه‌گذاری مشترک، شرکتی جدید با مشارکت (مالی/ فنی) طرف خارجی تأسیس و تشکیل می‌شود. سرمایه‌گذاری مشترک، خود انواع مختلفی دارد که متداول‌ترین آن در صنعت داروسازی، تولید قراردادی است.

۳-۴ انتخاب و پرورش رهبران جوان از کشورهای هدف با همکاری دانشگاه‌های ایرانی

تردیدی وجود ندارد که یکی از ارکان اصلی بازسازی در کشورهای آسیب‌دیده از جنگ، بازسازی سرمایه‌انسانی در این کشورهاست. در این میان، با توجه به ماهیت میان‌مدت و بلندمدت برنامه‌های بازسازی، تربیت و پرورش مدیران و رهبرانی که بتوانند محور پیشبرد برنامه‌های بازسازی در کشورهایشان باشند از اهمیت مضاعفی برخوردار است. ۲ ضعف و ناکارآمدی در نهادهای موجود در این کشورها تا

حد زیادی می‌تواند با تزریق نیروهای جوان، آموزش‌دیده و بانگیزه‌جبران‌شود^۱. اگر چنین پتانسیلی در کشورهای هدف به فعلیت نرسد، کمک‌های مالی و فنی هر قدر هم زیاد و پردامنه باشند، منجر به تعالی و پیشرفت کشورهای آسیب‌دیده نخواهند شد. بلکه در مقابل، می‌تواند به عاملی برای بروز فساد و ایجاد شکاف طبقاتی تبدیل شود. به عبارت دیگر، همه کمک‌های سخت افزاری اگر با نرم‌افزار مناسب (در اینجا سرمایه‌انسانی) همراه نباشد نمی‌تواند منجر به توسعه و پیشرفت پایدار و همه‌جانبه در این کشورها بشود. توانمندسازی سرمایه‌انسانی در این کشورها می‌تواند منجر به بهبود حکمرانی گردد. توجه به چنین عاملی در رویکردهای اجتماعی (در مقابل رویکرد عمرانی) بازسازی تجلی بیشتری پیدا کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در برنامه‌های کمک و بازسازی در سال‌های اخیر، توجه به انتخاب و پرورش سرمایه‌های انسانی (چه در بخش‌های فنی و تخصصی منتخب و چه در بخش‌های عمومی و راهبردی) جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است. به‌عنوان نمونه، برنامه‌های ژاپن و ایالات متحده قابل توجه هستند. ژاپن در بیانیه مأموریت خود در راستای کمک به بازسازی عراق صراحتاً یکی از محورهای اولویت‌دار خود

۱ در تحلیل دلایل عدم موفقیت کمک‌های اروپا به آفریقا که به طرح مارشال آفریقا شهرت یافته است، یکی از مهم‌ترین موارد همین ضعف در نیروی انسانی کارآمد و آموزش‌دیده عنوان شده است.

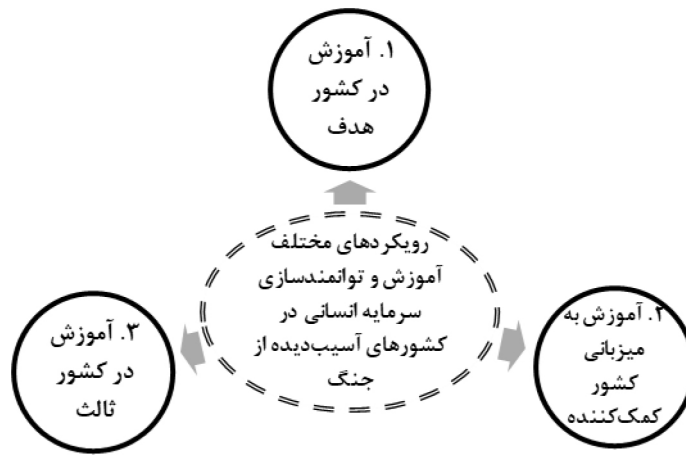
با توجه به اهمیت این موضوع و با عنایت به مثال‌های فوق‌الذکر، به نظر می‌رسد یکی از موضوعاتی که ایران در مواجهه با مقوله بازسازی کشورهای آسیب‌دیده از جنگ منطقه باید مورد توجه جدی قرار دهد آموزش و توانمندسازی جوانان در این کشورهاست. به‌طور کلی، همان‌گونه که در شکل ۸ ترسیم شده است، این موضوع با سه رویکرد قابل اجرا و پیگیری می‌باشد.

به نظر می‌رسد که رویکرد سوم، یعنی آموزش در کشورهای ثالث، بیشتر برای کشورهایی با فاصله جغرافیایی زیاد از کشورهای هدف تناسب داشته باشد. چراکه اتخاذ این رویکرد می‌تواند به کاهش قابل ملاحظه هزینه‌ها بیانجامد. استفاده گسترده از این رویکرد توسط ژاپن می‌تواند توجیه‌کننده چنین استدلالی باشد. علاوه بر این، چنین رویکردی در مقایسه با رویکرد آموزش در کشور هدف می‌تواند در مواقعی که جنگ و بی‌ثباتی در کشور هدف برقرار است بیشتر مورد استفاده کشورهای کمک‌کننده با فاصله جغرافیایی زیاد قرار گیرد. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که این اتخاذ رویکرد برای مواجهه ایران با سه کشور هدف این مطالعه سازگاری چندانی ندارد؛ چراکه ایران در فاصله نزدیکی از کشورهای هدف قرار دارد و خود نیز از زیرساخت‌های آموزشی و توانمندسازی مناسبی برخوردار است.

از میان دو رویکرد اول و دوم، می‌توان گفت که ایران

را تقویت حکمرانی اعلام نموده و بیان داشته است: توسعه ظرفیت‌های اداری دولت جهت دستیابی عراق به توسعه پایدار به عنوان یک کشور دموکراتیک با ثبات ضروری است. در این زمینه ژاپن از توسعه منابع انسانی، توسعه نهادی و اصلاحات جهت بهبود بخشیدن به سیاست‌های مالی و اداری و همچنین ظرفیت‌های مدیریتی کشور، حمایت خواهد کرد. بررسی جزئیات اقدامات این کشور برای توانمندسازی سرمایه انسانی در کشورهای عراق، سوریه و یمن نشان می‌دهد این اولویت عمدتاً با سه رویکرد توسط ژاپن در حال پیگیری است: آموزش در کشور هدف، آموزش به میزبانی کشور کمک‌کننده، آموزش در کشور ثالث.

برنامه‌های ایالات متحده در این زمینه از طریق انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد آمریکایی سر و شکل متفاوت‌تری به خود گرفته است و ظاهراً از رویکرد عمومی‌تر و بلندمدت‌تری برخوردار است. «مؤسسه یادگیری جهانی» واقع در واشینگتن برنامه ویژه‌ای را با عنوان «برنامه تبادل رهبران جوان عراقی» که به اختصار IYLEP نامیده می‌شود طراحی و اجرا نموده است که طی آن دانش‌آموزان مقطع دبیرستان یا دانشجویان مقطع کارشناسی از شهرهای مختلف در کشور عراق انتخاب و در تابستان به آمریکا رفته و با موضوعات مرتبط با توسعه رهبری، حقوق و مسئولیت‌های مدنی، احترام به تفاوت‌ها و تنوع و مشارکت اجتماعی، آشنا می‌شوند.



شکل ۸- رویکردهای مختلف آموزش و توانمندسازی سرمایه انسانی در کشورهای آسیب‌دیده از جنگ

در آموزش و شکل‌گیری حشدالشعبی عراق توانسته است رویکرد اول را با موفقیت به انجام برساند. لذا تجربیات ارزشمندی در این زمینه وجود دارد که باید مورد استفاده سایر بخش‌ها قرار بگیرد. البته ذکر این نکته ضروری است که تسری رویکرد اول برای سایر بخش‌ها، نیازمند بررسی‌های تکمیلی است. به‌عنوان مثال، بسیاری از زیرساخت‌های آموزشی و تحقیقاتی در سطوح عالی و پیشرفته در کشورهای هدف از بین‌رفته است و دایر نمودن آنها در کوتاه‌مدت ممکن است میسر نباشد؛ لذا اتخاذ رویکرد نخست (آموزش در کشور هدف) باید با توجه به زمینه اجرای برنامه آموزشی و توانمندسازی پیگیری شود. اما نکته‌ای که این پژوهش به‌عنوان یک الگوی پیشنهادی

بر آن تأکید دارد، اتخاذ فعالانه رویکرد دوم، یعنی آموزش به میزبانی ایران، است. همان‌گونه که تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد توانمندسازی سرمایه انسانی مبتنی بر این رویکرد، علاوه بر تضمین منافع کشور کمک‌گیرنده، سرریزهای مهمی برای کشور کمک‌کننده نیز به همراه خواهد داشت.

فهرست مطالب

گزارش اول: بررسی خسارت‌های فیزیکی ناشی از جنگ در کشورهای آسیب‌دیده از جنگ

چکیده گزارش اول

۱,۱. بخش اول: بررسی خسارت‌های فیزیکی ناشی از جنگ در کشور عراق

۱,۱,۱. مقدمه

۱,۱,۲. فصل اول: چارچوب پژوهش

۱,۱,۲,۱. دامنه جغرافیایی پژوهش

۱,۱,۲,۲. محدوده زمانی پژوهش

۱,۱,۲,۳. روش‌شناسی پژوهش

۱,۱,۲,۴. محدودیت‌ها و چالش‌های ارزیابی

۱,۱,۲,۵. اهداف پژوهش

۱,۱,۳. فصل دوم: برآورد خسارت‌های فیزیکی در بخش‌های مختلف

۱,۱,۳,۱. میزان خسارات‌ها در یک نگاه اجمالی

۱,۱,۳,۲. بررسی نیازها و خسارات وارده به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی

(۱) بخش‌های اجتماعی

(۲) بخش‌های تولیدی

(۳) بخش‌های مالی

(۴) بخش‌های زیربنایی

۱,۱,۴. فصل سوم: شناسایی و معرفی پروژه‌های اولویت‌دار عراق جهت بازسازی به تفکیک بخش‌های مختلف

۱,۱,۴,۱. مقدمه

۱,۱,۴,۲. استراتژی‌های تأمین مالی از سوی عراق

(۱) بخش نفت (۱۱ پروژه)

- (۲) بخش صنعت (۳۰ پروژه)
- (۳) بخش نیروگاه‌ها (۵ پروژه نیروگاه سوخت فسیلی، ۷ پروژه نیروگاه خورشیدی)
- (۴) بخش حمل و نقل (۲۳ پروژه).
- (۵) بخش مسکن (۴ پروژه)
- (۶) بخش سلامت و آموزش (۱۸ پروژه)
- (۷) بخش توریسم و گردشگری (۱۰ پروژه)
- (۸) بخش تجاری یا بازرگانی (پروژه‌هایی در سراسر کشور)
- (۹) بخش کشاورزی (۸۸ پروژه) و دامپروری (۲ پروژه)
- ۱,۲. بخش دوم: بررسی خسارت‌های فیزیکی ناشی از جنگ در کشور سوریه
- ۱,۲,۱. فصل اول: چارچوب پژوهش
- ۱,۲,۱,۱. محدودیت‌ها و چالش‌های ارزیابی
- ۱,۲,۲. فصل دوم: برآورد خسارت‌های فیزیکی در بخش‌های مختلف
- ۱,۲,۲,۱. مقدمه
- ۱,۲,۲,۲. بررسی نیازها و خسارات وارد به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی
- (۱) بخش‌های اجتماعی
- (۲) بخش‌های تولیدی
- (۳) بخش‌های زیربنایی
- ۱,۲,۳. فصل سوم: شناسایی و معرفی پروژه‌های اولویت‌دار سوریه جهت بازسازی به تفکیک بخش‌های مختلف
- ۱,۲,۳,۱. استراتژی‌های تأمین مالی بازسازی از سوی سوریه
۱. نیازمندی‌های بخش مسکن
۲. نیازمندی‌های بخش بهداشت و درمان

۳. نیازمندی‌های بخش آموزش

۴. نیازمندی‌های بخش میراث فرهنگی و گردشگری

۵. نیازمندی‌های بخش کشاورزی و دامداری

۶. نیازمندی‌های بخش صنعت

۷. نیازمندی‌های بخش حمل و نقل

۱,۳. بخش سوم: بررسی خسارت‌های فیزیکی وارد شده به کشور یمن در طول جنگ و شناسایی نیازمندی‌های این

کشور جهت بازسازی به تفکیک بخش‌های مختلف

۱,۳,۱. فصل اول: چارچوب پژوه

۱,۳,۲. فصل دوم: برآورد میزان خسارت‌های فیزیکی و زیان‌های وارد شده در بخش‌های مختلف

۱,۳,۲,۱. مقدمه: میزان خسارات در یک نگاه

۱. بخش‌های اجتماعی

۲. بخش‌های تولیدی

۳. بخش‌های زیربنایی

۱,۳,۳. فصل سوم: شناسایی و معرفی نیازمندی‌های یمن جهت بازسازی به تفکیک بخش‌های مختلف

۱. نیازمندی‌های بخش مسکن

۲. نیازمندی‌های بخش بهداشت و درمان

۳. نیازمندی‌های بخش آموزش

۴. نیازمندی‌های بخش کشاورزی و دامداری

۵. نیازمندی‌های بخش صنعت

۶. نیازمندی‌های بخش آب و فاضلاب

۷. نیازمندی‌های سایر بخش‌های زیر ساختی

۲ گزارش دوم: مطالعه و تحلیل الگوهای کمک در سطح بین‌المللی

۲,۱ چارچوب تحقیق در فاز دوم

۲,۱,۱ معرفی تحقیق

۲,۱,۲ روش تحقیق

۲,۱,۳ مبانی نظری

۲,۱,۳,۱ کمک خارجی

۲,۱,۳,۲ بنیان‌های نظری کمک‌های خارجی و توسعه‌ای

۲,۱,۴ تاریخچه کمک‌های بازسازی و توسعه‌ای

۲,۱,۵ چارچوب مفهومی تحقیق

۲,۱,۶ کمک کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته

۲,۱,۶,۱ کمک آمریکا به بازسازی کشورهای اروپایی

۲,۱,۶,۲ کمک استرالیا به بازسازی ژاپن

۲,۱,۷ کمک کشورهای در حال توسعه به کشورهای در حال توسعه

۲,۱,۷,۱ کمک‌های بازسازی و توسعه‌ای ترکیه به کشورهای در حال توسعه و فقیر

۲,۱,۷,۲ کمک‌های بازسازی و توسعه‌ای ایران به افغانستان

۲,۱,۸ کمک کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه

۲,۱,۸,۱ کمک‌های توسعه‌ای رسمی ژاپن به سه کشور عراق، سوریه و یمن

۲,۱,۹ تحلیل استراتژی‌های ارائه کمک‌های بازسازی و توسعه‌ای

۲,۱,۱۰ جمع‌بندی

۲,۱,۱۱ پیشنهاداتی برای ایران به‌عنوان یک کشور کمک‌کننده

۳ گزارش سوم: ملاحظات در باب مشارکت ایران در بازسازی با توجه به نیازمندیها و امکانات و معیارهای بین-

المللی مشارکت

۳,۱. نیازمندی‌های کشورهای هدف و توانمندی‌های ایران

۳,۱,۱. مرور خسارات وارده و نیازمندی‌های کشورهای هدف

۳,۱,۲. مقایسه نیازمندی‌های کشورهای هدف با توانمندی‌ها و امکانات ایران

۳,۱,۳. الزامات ورود و افزایش میزان مشارکت ایران

۳,۱,۴. بررسی الگوهای مشارکت در بازسازی و کمک

۳,۱,۵. نتایج بررسی الگوهای مشابه مشارکت در بازسازی و کمک در دنیا

۳,۱,۶. درس‌آموخته‌های تحلیل موارد مطالعه از منظر چارچوب مفهومی

۳,۲. نکات قابل تأمل برای ایران

۴. گزارش چهارم: پیشنهاد مدل‌هایی جهت مشارکت ایران در بازسازی کشورهای هدف با توجه به رویکردهای

تحلیلی اتخاذ شده در مطالعه

۴,۱. مقدمه

۴,۲. تجهیز مراکز آموزشی، تحقیقاتی و دانشگاهی کشورهای هدف با اجرایی‌سازی مدل بسط یافته نمایشگاه ساخت

ایران

۴,۳. تولید قراردادی دارو در کشورهای هدف با مشارکت شرکت‌های دارویی ایرانی

۴,۴. انتخاب و پرورش رهبران جوان از کشورهای هدف با همکاری دانشگاه‌های ایرانی

۵. مراجع

۵,۱. مراجع فارسی

۵,۲. مراجع عربی

۵,۳. مراجع انگلیسی

یکی از موضوعات مهمی که در محافل رسانه‌ای سیاسی به عنوان یکی از مسائل مهم پیش‌روی ایران مطرح است، مشارکت ایران در بازسازی کشورهای جنگ‌زده‌ی عراق، سوریه و یمن است. اهمیت این موضوع از آن منظر است که این کشورها وجوه اشتراکی از لحاظ دین، فرهنگ، جغرافیا و سیاست با ایران دارند و بازار این کشورها نیز به دلیل همین قرابت‌ها، بازار صادراتی خوبی برای کشور می‌باشد. اهمیت تصمیم‌گیری سریع در این خصوص آنجا بیشتر می‌شود که برخی از کشورها نه فقط اظهار نظراتی در این زمینه انجام دادند، بلکه به صورت عملیاتی هم جهت حضور در بازسازی این کشورها، اقداماتی را انجام دادند.

مطالعه پیش‌رو، با هدف شناسایی الگوی مشارکت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی کشورهای آسیب‌دیده از جنگ عراق، سوریه و یمن در سه فصل مجزا به رشته تحریر در آمده است. در این راستا در فصل اول سعی شده است تا با تکیه بر گزارش‌های دولتی و نهادهای بین‌المللی، برآوردی از خسارات وارد آمده بر این کشورها حاصل شود. در فصل دوم روش‌های تأمین مالی و مشارکت کشورها در کمک به بازسازی کشورهای آسیب‌دیده و همچنین برخی از ویژگی‌های استراتژی‌های موفق بازسازی بیان می‌شود. همچنین ابعاد مختلف این استراتژی‌ها شناسایی شده و اهداف کشورهای مختلف در کمک به بازسازی کشورهای آسیب‌دیده مورد بررسی و دقت قرار خواهد گرفت. نهایتاً در فصل سوم بر مبنای یافته‌های فصل اول و دوم و موقعیت جمهوری اسلامی ایران سعی شده است تا پیشنهادهای برای ورود هرچه مؤثرتر به بازسازی کشورهای آسیب‌دیده از جنگ عراق، سوریه و یمن ارائه گردد.

پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری

تابستان ۱۳۹۸